

one 1 Lesson

ملیت من My nationality

سلام و خیلی خوش اومدین به اولین درس از کتاب زبان سال **هشتم!**

آماده ای باهم یه درس جذاب و باحال و کاربردی رو بخونیم؟ برو بریم..

(قبل از هر چیز، بذارید همین اول کار، یه چیز خیلی مهمی رو بجهتون بگم، بینید بخش واژگان، واقعا مهمه و تسلط بجهش واقعا بجهتون اعتماد به نفس میده! پس با تمام توان و تمرکز، روی این بخش مسلط بشید و اگر تلفظ کلمه ای رو بلد نیستید حتما حتما توی دیکشنری چک کنید، مرسی از همتون!)

ترجمه

English

مثال • فارسی

• Nationality ملیت

• What is your nationality? |→
چی هست

ملیتت چیه؟

• French فرانسوی

او فرانسوی است.

..... She is French. |→

• British بریتانیایی / انگلیسی

آنها بریتانیایی هستند.

..... They are British. |→

• Chinese چینی

او چینی است.

..... He is Chinese. |→

• Spanish اسپانیایی

دوستم اسپانیایی است.

..... My friend is Spanish. |→

• Brazilian برزیلی

او برزیلی است.

..... She is Brazilian. |→

• English انگلیسی

من انگلیسی صحبت می کنم.

..... I speak English. |→

• Persian فارسی

من در خانه فارسی صحبت می کنم.

..... I speak Persian at home. |→

• Iranian ایرانی

ما ایرانی هستیم.

..... We are Iranian. |→

• Continent قاره

آسیا یک قاره است.

..... Asia is a continent. |→

• Countries	کشورها
..... These countries are in Asia. →	
• Iran	ایران
..... I live in Iran. →	
• England	انگلستان
..... England is in Europe. →	
• France	فرانسه
..... France is a beautiful country. →	
• Spain	اسپانیا
..... Spain is in Europe. →	
• Asia	آسیا
..... Iran is in Asia. →	
• Asian	آسیایی
..... I am Asian. →	
• Europe	اروپا
..... France is in Europe. →	
• European	اروپایی
..... She is European. →	
• Africa	آفریقا
..... Egypt is in Africa. →	
• African	آفریقایی
..... He is African. →	
• North America	آمریکای شمالی
..... Canada is in North America. →	
• North American	شمال آمریکایی
..... She is North American. →	
• South America	آمریکای جنوبی
..... Brazil is in South America. →	
• South American	جنوب آمریکایی
..... He is South American. →	

این کشورها در آسیا هستند.

من در ایران زندگی می‌کنم.

انگلستان در اروپاست.

فرانسه یک کشور زیباست.

اسپانیا در اروپاست.

ایران در آسیا است.

من آسیایی هستم.

فرانسه در اروپاست.

او اروپایی است.

مصر در آفریقا است.

او آفریقایی است.

کانادا در آمریکای شمالی است.

او اهل آمریکای شمالی است.

برزیل در آمریکای جنوبی است.

او اهل آمریکای جنوبی است.

• Australia	استرالیا
..... Australia is a big country. →	
• Austrian	اتریشی
..... She is Austrian. →	
• Conversation	گفتگو
..... We have a conversation in class. →	
• Listen	گوش کردن
..... Listen to your teacher. →	
• Introduce	معرفی کردن
..... I introduce my friend. →	
• Cousin	پسرعمو/دخترعمو/...
..... My cousin is in grade 8. →	
• Teacher	معلم
..... Our teacher is kind. →	
• This is ...	این ... است
..... This is my cousin. →	
• Speak	صحبت کردن
..... I speak a little English. →	
• A little	کمی
..... I know a little Persian. →	
• Nice to meet you	از آشنایی با شما خوشبختم
..... Nice to meet you. →	
• Nice to meet you, too	من هم همین طور
..... Nice to meet you, too. →	
• Originally	اصالتاً
..... I am originally from Yazd. →	
• Live	زندگی کردن
..... I live in Tehran. →	
• Welcome	خوش آمدید
..... Welcome to Iran! →	

استرالیا کشور بزرگی است.

او اتریشی است.

ما در کلاس گفتگو داریم.

به معلمت گوش کن.

من دوستم را معرفی می‌کنم.

پسرعمو/دخترعموی من کلاس هشتم است.

معلم ما مهربان است.

این پسرعمو/دخترعموی من است.

من کمی انگلیسی صحبت می‌کنم.

من کمی فارسی بلد هستم.

از دیدنت خوشحال شدم.

من هم همین طور.

من اصالتاً اهل یزد هستم.

من در تهران زندگی می‌کنم.

به ایران خوش آمدی!

Where do you live?

I live in

زندگی
ن
محل

↓
Tehran

• How do you like it in Iran? ایران را چطور دوست داری؟

..... How do you like it in Iran? |→

• Beautiful زیبا

..... Iran is beautiful. |→

• Great عالی

..... The weather is great. |→

• Are you from ...? اهل ... هستی؟

..... Are you from France? |→

• Spell هجی کردن

..... Please spell your name. |→

• Chair صندلی

..... Sit on the chair. |→

• Shoes کفش‌ها

..... My shoes are new. |→

• Relatives فامیل

..... My relatives live in Shiraz. |→

• Friends دوستان

..... My friends are in class. |→

• Classmate هم‌کلاسی

..... Ali is my classmate. |→

• Guest مهمان

..... We have a guest today. |→

ایران را چطور دوست داری؟

ایران زیباست.

هوا عالی است.

اهل فرانسه‌ای؟

لطفاً اسمت را هجی کن.

روی صندلی بنشین.

کفش‌های من جدید هستند.

فامیل‌های من در شیراز زندگی می‌کنند.

دوستانم در کلاس هستند.

علی هم‌کلاسی من است.

امروز مهمان داریم.

Parmida

(حالا اترت میخوام که این مکالمه رو چند بار با صدای بلند بخونی، البته قبلش یادت نره که حتما فایل صوتی کتاب درسی رو گوش بده) معنی این مکالمه رو دقیق بگو

Shayan: Mr. Chaychi, this is my cousin Sam. He speaks French, English, and a little Persian.

Teacher: Oh, nice to meet you, Sam.

Sam: Nice to meet you, too.

Teacher: Are you from Iran?

Sam: Yes, I'm originally Iranian, but I live in France.

Teacher: Welcome to our class.

How do you like it in Iran?

Sam: Iran is great! I love it. It's a beautiful country.

Shayan: آقای چایچی، ایشون پسرعمه / پسرخاله من سم هست. اون فرانسوی، انگلیسی و یه کم فارسی صحبت می‌کنه.

Teacher: اوه، از دیدنت خوشوقتم سم.

Sam: من هم از دیدنتون خوشوقتم.

Teacher: اهل ایران هستی؟

Sam: بله، اصالتا ایرانی هستم ولی توی فرانسه زندگی می‌کنم.

Teacher: به کلاس ما خوش اومدی. ایران رو چطور می‌بینی؟

Sam: ایران خیلی عالیه! عاشقشم. کشور زیباییه.

(و اما رسیدیم به بخش جذاب ساختارهای درس اول، این بخش رو با حواس جمع بخونیااا، خیلی مهمه، خیلییی)

توی این بخش قراره یاد بگیری چطوری درمورد **ملیت ها و کشورها** صحبت کنی:

Are you from Iran?..... I'm آیا اهل ایران هستی / هستید؟

Yes, I am. / Yes, we are..... No, I am not. بله، هستم. / بله، هستید.

Are you from France?..... آیا اهل فرانسه هستی / هستید؟

No, I'm not. / No, we're not..... Is he from Iran? نه، نیستم. / نه، نیستیم.

Is she/he from England?..... آیا او اهل انگلستانه؟

Yes, she/he is..... No, he is not. بله، هست.

he's

آیا او اهل چین؟..... Is she/he from China?

نه، نیست..... No, she/he isn't.

آیا آن‌ها اهل اسپانیا هستند؟..... Are they from Spain?

بله، هستند..... Yes, they are.

آیا آن‌ها اهل برزیل هستند؟..... Are they from Brazil?

نه، نیستند..... No, they aren't.

نکته مهم

یادت باشه تو این ساختار سوال، سوال ها با **am/is/are** ساخته شدن که اگر فاعل **(You, they, we)** باشه، یا **فاعل جمع** باشه مثلاً **my friends**، باید از فعل **are** استفاده کنیم، و اگر فاعل **(she, he, it)** باشه، یا **فاعل مفرد**، باید از فعل **is** استفاده کنیم. و اگر فاعل **I** باشه از فعل **am** استفاده میکنیم.

و یادت باشه بعد **from** توی این ساختار، اسم کشور میاد، مثلاً **Iran, France, Brazil, ...**

اما ساختارهای مهم بعدی، که بهمون ازمودن چطور دربارۀ **ملیت** سوال بپرسیم.

آیا ایرانی هستی/هستید؟..... Are you Iranian?

بله، هستم. / بله، هستیم..... Yes, I am. / Yes, we are.

آیا فرانسوی هستی/هستید؟..... Are you French?

نه، نیستم. / نه، نیستیم..... No, I'm not. / No, we're not.

آیا او بریتانیایی؟..... Is she/he British?

بله، هست..... Yes, she/he is.

آیا او چینی؟..... Is she/he Chinese?

نه، نیست..... No, she/he isn't.

آیا آن‌ها اسپانیایی هستند؟..... Are they Spanish?

بله، هستند..... Yes, they are.

آیا آن‌ها برزیلی هستند؟..... Are they Brazilian?

نه، نیستند..... No, they aren't.

این سوال هایی هم که در ادامه میبینید، بهتون یاد میده که اصلاً چطوری بپرسید که یک شخص، اهل کجاست!
(مثلاً فرض کن منو میبینی، میخوای بگی شما اهل کجایی؟ چطوری این سوال رو میپرسی؟ بریم که یاد بگیریم)

کج

From

I am From Iran.

Where are you from?..... اهل کجایی؟ / اهل کجایی؟
(I'm / We're from) Iran..... (من / ما اهل) ایرانیم.

Where is Mary / she from?..... مری / او اهل کجاست؟
(She's from) England..... (او اهل) انگلستان است.

Where is Mark / he from?..... مارک / او اهل کجاست؟
(He's from) France..... (او اهل) فرانسه است.

Where are they from?..... آن‌ها اهل کجان؟
(They're from) Spain..... (آن‌ها اهل) اسپانیا هستند.

نکته پایانی

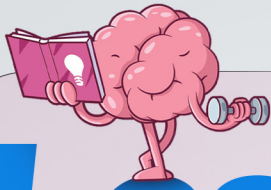


هرموقع دیدی یه کلمه رو حروفش اینجوری نوشته شده:

C-h-a-i-r

بدون که سوال درمورد "هجی کردنش" هست، یا به عبارتی درباره **spelling** اون کلمه سوال پرسیده شده، و سواله غالباً اینه:

چطور... را هجی میکنی؟..... How do you spell "..."?.....



two 2 Lesson هفته من My week

سلام، خیلی خوش اومدی به درس دوم، این درس درمورد روزهای هفته و زمان های مختلف روز هست. (مثل همیشه با انگیزه و انرژی و تمرکز زیاد، بریم شروع کنیم اولین بخش درس هشتم رو)

ترجمه

English

مثال - فارسی

- **help** کمک کردن
..... I help my friend with homework. |→
- **Classmate** هم کلاسی
..... Ali is my classmate at school. |→
- **Friend** دوست
..... I often play football with my friend. |→
- **Gym** باشگاه
..... I go to the gym two times a week. |→
- **Stay** ماندن
..... I stay at home on rainy days. |→
- **Stay home** در خانه ماندن
..... I stay home and watch TV on weekends. |→
- **Relax** استراحت کردن
..... I relax in the evening after school. |→
- **Good at ...** خوب بودن در ...
..... I am good at playing football. |→
- **Sure** حتماً / مطمئن
..... Sure, I can come to your house. |→
- **Sound** به نظر رسیدن
..... It sounds interesting. |→
- **Great** عالی
..... The party was great. |→

من به دوستم در انجام تکالیف کمک می کنم.

علی هم کلاسی من در مدرسه است.

من اغلب با دوستم فوتبال بازی می کنم.

هفته ای دو بار به باشگاه می روم.

در روزهای بارانی در خانه می مانم.

آخر هفته در خانه می مانم و تلویزیون می بینم.

بعد از مدرسه عصرها استراحت می کنم.

من در بازی فوتبال خوب هستم.

حتماً، می توانم به خانه تو بیایم.

جالب به نظر می رسد.

مهمانی عالی بود.

- **Start** شروع کردن
..... We start school at eight o'clock. |→
- **I'll let ... know** به ... خبر می‌دهم
..... I'll let my teacher know about it. |→
- **Go to school** به مدرسه رفتن
..... I go to school every weekday. |→
- **Play sports** ورزش کردن
..... I play sports after classes. |→
- **Study lessons** درس خواندن
..... I study lessons in the afternoon. |→
- **Climb a mountain** کوه‌نوردی کردن
..... We climb a mountain during summer. |→
- **Watch TV** تلویزیون دیدن
..... I watch TV in the evening. |→
- **Visit relatives** به فامیل سرزدن
..... We visit relatives on holidays. |→
- **Every** هر
..... I go to school every day. |→
- **Weekday** روز کاری / روز هفته
..... I am busy on weekdays. |→
- **Weekend** آخر هفته
..... I relax on the weekend. |→
- **Every weekday** هر روز هفته
..... I wake up early every weekday. |→
- **Wednesday afternoon** بعد از ظهر چهارشنبه
..... I go shopping on Wednesday afternoon. |→
- **When** چه زمانی
..... When do you usually wake up? |→
- **What days** چه روزهایی
..... What days do you go to school? |→

ما ساعت هشت مدرسه را شروع می‌کنیم.

به معلمم در مورد آن خبر می‌دهم.

هر روز هفته به مدرسه می‌روم.

بعد از کلاس‌ها ورزش می‌کنم.

بعد از ظهر درس می‌خوانم.

ما در تابستان کوه‌نوردی می‌کنیم.

عصرها تلویزیون می‌بینم.

در تعطیلات به فامیل سر می‌زنیم.

هر روز به مدرسه می‌روم.

روزهای هفته سرم شلوغ است.

آخر هفته استراحت می‌کنم.

هر روز هفته زود بیدار می‌شوم.

بعد از ظهر چهارشنبه خرید می‌کنم.

معمولاً چه زمانی بیدار می‌شوی؟

چه روزهایی به مدرسه می‌روی؟

- **Go shopping** خرید رفتن
..... We go shopping on Saturdays. |→
- **Study English** انگلیسی خواندن
..... I study English every evening. |→
- **Go to the library** به کتابخانه رفتن
..... I go to the library to read books. |→
- **Day** روز
..... I am busy during the day. |→
- **Night** شب
..... I sleep at night. |→
- **Morning** صبح
..... I do my homework in the morning. |→
- **Afternoon** بعدازظهر
..... I play football in the afternoon. |→
- **Midday** ظهر
..... I have lunch at midday. |→
- **Midnight** نیمه شب
..... I go to bed at midnight. |→
- **Sunrise** طلوع خورشید
..... I wake up at sunrise. |→
- **Sunset** غروب خورشید
..... We watch the sunset at the beach. |→
- **Evening** عصر / غروب
..... I like reading books in the evening. |→
- **Sir** آقا
..... Yes, sir, I understand. |→
- **Madam** خانم
..... Excuse me, madam, can I ask a question? |→
- **Miss** خانم / دوشیزه
..... Thank you, miss, for your help. |→

شنبه ها خرید می کنیم.

هر عصر انگلیسی می خوانم.

به کتابخانه می روم تا کتاب بخوانم.

در طول روز سرم شلوغ است.

شب می خوابم.

صبح تکالیفم را انجام می دهم.

بعدازظهر فوتبال بازی می کنم.

ظهر ناهار می خورم.

نیمه شب به تخت می روم.

موقع طلوع خورشید بیدار می شوم.

ما غروب خورشید را در ساحل تماشا می کنیم.

عصرها دوست دارم کتاب بخوانم.

بله آقا، متوجه شدم.

بخشید خانم، می توانم سوالی بپرسم؟

ممنونم خانم، بابت کمکتان.

• At the beginning

در ابتدا

..... At the beginning of the lesson, the teacher explains the topic. |→

در ابتدای درس، معلم موضوع را توضیح می‌دهد.

• Weekly activities

فعالیت‌های هفتگی

..... These are my weekly activities at school. |→

این‌ها فعالیت‌های هفتگی من در مدرسه هستند.

• During the week

در طول هفته

..... I am busy during the week with lessons. |→

در طول هفته با درس‌ها سرم شلوغ است.

• Weekday mornings

صبح‌های روزهای هفته

..... I wake up early on weekday mornings. |→

صبح‌های روزهای هفته زود بیدار می‌شوم.

(خب! بعد از تسلط روی بخش واژگان، نوبت میرسد به بخش مکالمه. قبل از اینکه این قسمت رو بخونی، حتماً فایل صوتی کتاب رو چند بار گوش کن و تکرار کن مکالمه رو، OK؟)



Teacher: What do you do in the afternoons, Reihaneh?

Student: Well, I go to the gym on Sundays and Tuesdays.

Teacher: How about Friday mornings?

Student: I stay at home and relax. Why?

Teacher: You know, Shiva is not very good at English. Can you help her?

Student: Oh, sure.

Teacher: That sounds great! When can you start?

Student: This Wednesday afternoon.

Teacher: That's fine. Thank you. I'll let her know.

معلم: بعد از ظهرها چیکار می‌کنی، ریحانه؟

دانش‌آموز: خب، یکشنبه‌ها و سه‌شنبه‌ها میرم باشگاه.

معلم: صبح‌های جمعه چطور؟

دانش‌آموز: خونه می‌مونم و استراحت می‌کنم. چرا؟

معلم: می‌دونی، شیوا توی انگلیسی خیلی خوب نیست. می‌تونی بهش کمک کنی؟

دانش‌آموز: اوه، حتماً.

معلم: عالیه! از کی می‌تونی شروع کنی؟

دانش‌آموز: این چهارشنبه بعد از ظهر.

معلم: خیلی خوبه. ممنونم. بهش خبر می‌دم.

اما نوبت میرسه به ساختارها و سوال و جواب های مهم درس ۲، که باید با حواس جمع و دقت زیاد بخونیشون، برو بریییم:

Talking about daily activities

⚡
صحبت کردن درباره فعالیت های روزانه

What do you do in the mornings?.....صبح ها چیکار می کنی؟

I go to school.....من به مدرسه می روم.

What do you do in the afternoons?.....بعد از ظهرها چیکار می کنی؟

We play sports.....ما ورزش می کنیم.

What do you do in the evenings?.....عصرها چیکار می کنی؟

I study my lessons.....من درس هایم را مطالعه می کنم.

What do you do on Friday mornings?.....صبح های جمعه چیکار می کنی؟

We watch TV.....ما تلویزیون تماشا می کنیم.

What do you do on Thursday evenings?.....عصرهای پنجشنبه چیکار می کنی؟

I visit my relatives.....من به دیدن اقوامم می روم.

✓ تو جواب بده!

What do you do on Thursday evenings?

.....

Days of the week ⚡ روزهای هفته

• Saturday

شنبه

• Sunday

یکشنبه

• Monday

دوشنبه

• Tuesday

سه شنبه

• Wednesday

چهارشنبه

• Thursday

پنج شنبه

• Friday

جمعه

نکته مهم

Weekdays

یعنی روزهای کاری یا روزهای مدرسه، روزهایی که معمولاً سرکار یا سرکلاس هستیم. **درباره:** روزهای هفته کاری یا مدرسه **شنبه تا چهارشنبه** هستند. مثال:

I go to school on weekdays.

من در روزهای هفته به مدرسه می‌روم.

Weekend

یعنی **آخر هفته**، روزهایی که معمولاً تعطیل هستیم و استراحت می‌کنیم. **درباره:** روزهای آخر هفته **پنجشنبه و جمعه** هستند. مثال:

I relax on the weekend.

من آخر هفته استراحت می‌کنم.

در ادامه ساختارهای سوالی رو داریم با (**when: چه زمانی**) و (**what days: چه روزهایی**)
بریم باهم این سوال ها رو هم بررسی کنیم:

کی / چه روزهایی به مدرسه می‌روی؟
When/What days do you go to school?
هر روز هفته.
Every weekday

کی / چه روزهایی خرید می‌روی؟
When/What days do you go shopping?
هر چهارشنبه بعد از ظهر.
Every Wednesday afternoon

کی / چه روزهایی ورزش می‌کنی؟
When/What days do you play sports?
روزهای شنبه و سه شنبه.
On Saturdays and Tuesdays

کی / چه روزهایی انگلیسی می‌خوانی؟
When/What days do you study English?
صبح‌های دوشنبه.
On Monday mornings

کی / چه روزهایی به کتابخانه می‌روی؟
When/What days do you go to the library?
بعد از ظهرهای یکشنبه.
On Sunday afternoons



توجه! بده!

What days do you study English?

.....



درمورد بحث تایم ما خیلی وقتاً a.m و p.m رو میبینیم کنار ساعت ها، ولی اصلاً اینها معنیشون چی هست؟

• **AM (Ante Meridiem)** قبل از ظهر

ساعت ۱۲:۰۰ نیمه شب تا ۱۱:۵۹ صبح.

• **PM (Post Meridiem)** بعد از ظهر

ساعت ۱۲:۰۰ ظهر تا ۱۱:۵۹ شب.

• ترجمه •

• English

• مثال • فارسی

• **Midday** ظهر / نیمروز (ساعت: ۱۲:۰۰ ظهر)

..... We eat lunch at midday | →

ما ظهر ناهار می خوریم.

• **Midnight** نیمه شب (ساعت: ۱۲:۰۰ شب)

..... The new year starts at midnight. | →

سال نو از نیمه شب شروع می شود.

• **Morning(AM)** صبح (ساعت: ۶:۰۰ صبح تا ۱۲:۰۰ ظهر)

..... I usually exercise in the morning. | →

من معمولاً صبح ورزش می کنم.

• **Afternoon(PM)** بعد از ظهر (ساعت: ۱۲:۰۰ ظهر تا ۶:۰۰ عصر)

..... We go shopping in the afternoon. | →

ما بعد از ظهر خرید می رویم.

• **Evening(PM)** غروب / عصر (ساعت: ۶:۰۰ عصر تا ۹:۰۰ شب)

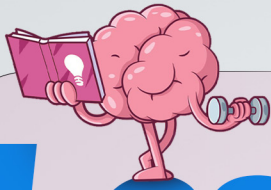
..... I like to read in the evening. | →

من دوست دارم عصرها مطالعه کنم.

• **Night(PM/AM)** شب (ساعت: ۹:۰۰ شب تا ۱۲:۰۰ نیمه شب)

..... The stars are beautiful at night. | →

ستاره ها شب ها زیبا هستند.



three 3 Lesson توانایی من My ability

سلام به خفن ترین دانش آموزش های دنیا، خوش اومدین به درس ۳ از زبان سال هشتم. موضوع این درس خیلی جذابه، قراره باهم یاد بگیریم چطوری میتونیم راجع به توانایی هامون صحبت کنیم، سوال بپرسیم و ...
یه درس خیلی کاربردی و باحال، برو بریم:
مثل همیشه، بخش اول، واژگان سطر به سطر این درس:

ترجمه

مثال • فارسی

English

- **Ability** توانایی
..... I have the ability to solve problems. |→
- **Drawing** نقاشی
..... I enjoy drawing pictures in my free time. |→
- **Cooking** آشپزی
..... My mother is good at cooking delicious food. |→
- **Playing football** فوتبال بازی کردن
..... I like playing football with my friends. |→
- **Searching the web** جستجو کردن در اینترنت
..... I spend some time searching the web for information. |→
- **Swimming** شنا کردن
..... We go swimming in the summer. |→
- **Make a cake** کیک درست کردن
..... I can make a cake for my birthday. |→
- **Do a puzzle** حل کردن پازل
..... I like to do a puzzle in the evening. |→
- **Ride a bicycle** دوچرخه سواری کردن
..... I often ride a bicycle in the park. |→

من توانایی حل مسائل را دارم.

من از کشیدن نقاشی در اوقات فراغت لذت می برم.

مادرم در آشپزی غذای خوشمزه خوب است.

من دوست دارم با دوستانم فوتبال بازی کنم.

مدتی را به جستجو در اینترنت برای اطلاعات می گذرانم.

تابستان ها شنا می کنیم.

می توانم برای تولدم کیک درست کنم.

عصرها دوست دارم پازل حل کنم.

من اغلب در پارک دوچرخه سواری می کنم.

• **Play basketball** بسکتبال بازی کردن

..... He plays basketball every weekend. |→

او هر آخر هفته بسکتبال بازی می کند.

• **Work with a computer** کار کردن با کامپیوتر

..... I work with a computer at school. |→

در مدرسه با کامپیوتر کار می کنم.

• **Play tennis** تنیس بازی کردن

..... My sister plays tennis after school. |→

خواهرم بعد از مدرسه تنیس بازی می کند.

• **Draw** کشیدن

..... I draw a picture for my friend. |→

برای دوستم یک نقاشی می کشم.

• **Cook** پختن

..... I cook dinner with my mother. |→

با مادرم شام می پزم.

• **Double** دو برابر

..... I have double the amount of books you have. |→

من دو برابر تعداد کتاب های تو کتاب دارم.

• **Famous** مشهور

..... He is a famous football player. |→

او یک بازیکن فوتبال مشهور است.

• **Tell story** داستان تعریف کردن

..... I like to tell stories to my little brother. |→

دوست دارم برای برادرم داستان تعریف کنم.

• **Take photos** عکس گرفتن

..... I take photos of nature in the park. |→

در پارک از طبیعت عکس می گیرم.

• **Why not?** چرا که نه؟

..... A: Can I join you? |→
B: Why not?

الف: می توانم به شما ملحق شوم؟
ب: چرا که نه؟

• **Really?** واقعا؟

..... A: I won a prize. |→
B: Really?

الف: من جایزه بردم.
ب: واقعا؟

• **I can't make it** نمی توانم بیایم / نمی رسم

..... I'm sorry, I can't make it to the party. |→

متأسفم، نمی توانم به مهمانی برسم.

• **Bring** آوردن

..... Please bring your book to class. |→

لطفاً کتابت را به کلاس بیاور.

• **Drawing book** دفتر نقاشی

..... I draw pictures in my drawing book. |→

در دفتر نقاشی ام نقاشی می کنم.

Elham: Wow! Your drawing is very good.

Sara: Thanks. Can you draw?

Elham: No, I'm not good at drawing. But I can take good photos.

Sara: Really? Can I see your photos?

Elham: Why not? Come to my house this afternoon.

Sara: Oh, I can't make it today. How about Thursday afternoon?

Elham: That's fine. You can bring your drawing book, too.

Sara: Sure.

الهام: وای! نقاشی ت خیلی خوبه.

سارا: ممنون. تو می تونی نقاشی بکشی؟

الهام: نه، من تو نقاشی خوب نیستم. ولی می تونم عکس های خوبی بگیرم.

سارا: واقعاً؟ می تونم عکس هات رو ببینم؟

الهام: چرا که نه؟ امروز بعد از ظهر بیا خونه م.

سارا: اوه، امروز نمی تونم بیام. پس بعد از ظهر پنج شنبه چطوره؟

الهام: مشکلی نیست. می تونی دفتر نقاشیت رو هم بیاری.

سارا: حتماً.

حالا بریم سراغ ساختارهای مهم درس ۳

Talking about abilities



صحبت کردن درباره توانایی ها

آیا تو تو نقاشی خوب هستی؟..... Are you good at drawing?

بله، هستم. / نه، نیستم. Yes, I am. / No, I'm not.

آیا او (زن) تو آشپزی خوب است؟..... Is she good at cooking?

بله، هست. / نه، نیست. Yes, she is. / No, she isn't.

آیا او (مرد) تو فوتبال بازی کردن خوب است؟..... Is he good at playing football?

بله، هست. / نه، نیست. Yes, he is. / No, he isn't.

آیا شما تو جستجوی وب خوب هستید؟..... Are you good at searching the Web?
بله، هستیم. / نه، نیستیم. Yes, we are. / No, we aren't.....

آیا آنها تو شنا کردن خوب هستند؟..... Are they good at swimming?
بله، هستند. / نه، نیستند. Yes, they are. / No, they aren't.....

نکته مهم

اگر دقت کرده باشی، توی همه ی این جمله ها، **بعد از good at**، **فرم ing** یک فعل رو داریم. (اسم مصدر)
(پس حواست حساسی جمع باشه، مثلاً :

He is good at playing football. 

He is good at play football. 

تو جواب بده!

Are you good at riding a bicycle?

.....

توی ساختارهای بعد ، همه سوال ها با **فعل can** (به معنی توانستن) هست (اصلاً وقتی داریم راجع به توانایی ها صحبت میکنیم ، اولین فعلی که میاد تو ذهنمون همین فعل can باید باشه! فقط یادت باشه هههه ، بعد can فعلی که میاد بصورت ساده میاد ااا، مثال های زیر رو با دقت بخون)

تو می تونی کیک درست کنی؟..... Can you make a cake?
بله، می تونم. / نه، نمی تونم. Yes, I can. / No, I can't.....

او (خانم) می تونه وب جستجو کنه؟..... Can she search the Web?
بله، می تونه. / نه، نمی تونه. Yes, she can. / No, she can't.....

او (آقا) می تونه پازل حل کنه؟..... Can he do a puzzle?
بله، می تونه. / نه، نمی تونه. Yes, he can. / No, he can't.....

می تونید دوچرخه سواری کنید؟..... Can you ride a bicycle?
بله، می تونیم. / نه، نمی تونیم. Yes, we can. / No, we can't.....

آنها می تونن بسکتبال بازی کنن؟..... Can they play basketball?
بله، می تونن. / نه، نمی تونن. Yes, they can. / No, they can't.....

✓ تو جواب بده!

Can your mother make a cake?

.....

چه کسی می‌تونه با کامپیوتر کار کنه؟ Who can work with a computer?

همه‌ی دانش‌آموزان می‌تونن. All students can.

چه کسی می‌تونه تنیس بازی کنه؟ Who can play tennis?

علی میتونه خوب تنیس بازی کنن. Ali can play tennis well.

چه کسی می‌تونه نقاشی بکشه؟ Who can draw?

پرهام می‌تونه، ولی نه خیلی خوب. Parham can, but not very well.

چه کسی می‌تونه عکس بگیره؟ Who can take photos?

مرجان و لیلا می‌تونن. Marjan and Leila can.

چه کسی تو تعریف کردن داستان خوبه؟ Who is good at telling stories?

من. Me.

و اما به عنوان بخش پایانی این درس، همه‌ی این سوال‌ها رو بخون و بهشون فکر کن و پاسخ بده:
(میتونی برای تمرین و تسلط بیشتر، از دوستات و خوانوادت، هم این سوال‌ها رو بپرسی)

• What's your name, please?

اسم شما چیه لطفاً؟

My name's

• How old are you?

چند سالته؟

I'm Years old.

• What's your job?

شغلت چیه؟

I am a

• What's your nationality?

ملیتت چیه؟

I'm

• What city are you from?

اهل چه شهری هستی؟

I'm from

• What's it like?

چطور شهریه؟ / چه شکلیه؟

It's

• What's your favorite food?

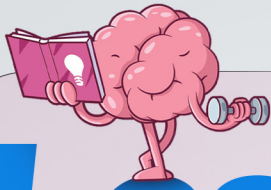
غذای مورد علاقه‌ت چیه؟

It's

• What sports can you do/play?

چه ورزش‌هایی می‌تونی انجام بدی یا بازی کنی؟

I can



four 4 Lesson سلامتی من My health

سلام از من به شما خفن ترین بچه های هشتمی کل ایران، بریم درس ۴ رو استارت بزنیم باهم، موضوعش که میبینید بسیار کاربردی و رایج.

(مثل همیشه، اولین بخش این درس؟ واژگان)

• ترجمه

مثال • فارسی

• English

• Health سلامتی

..... Good health is very important. |→

سلامتی خیلی مهم است.

• Advice توصیه / نصیحت

..... My teacher gives me good advice about studying. |→

معلمم توصیه های خوبی درباره درس خواندن به من می دهد.

• Health advice نکات بهداشتی / توصیه های سلامتی

..... It is important to follow health advice. |→

مهم است که توصیه های سلامتی را رعایت کنیم.

• Health problems مشکلات سلامتی

..... Many people have health problems sometimes. |→

بسیاری از افراد گاهی مشکلات سلامتی دارند.

• Headache سردرد

..... I have a headache today. |→

امروز سردرد دارم.

• Sore throat گلو درد

..... She has a sore throat and can't speak. |→

او گلو درد دارد و نمی تواند صحبت کند.

• Sore eyes چشم درد / چشم سوز

..... I have sore eyes from reading too much. |→

چشم هایم از زیاد خواندن درد می کند.

• Backache کمردرد

..... He has a backache after lifting heavy boxes. |→

او بعد از بلند کردن جعبه های سنگین کمردرد دارد.

• Toothache دندان درد

..... I have a toothache, so I go to the dentist. |→

دندان درد دارم، پس به دندان پزشک می روم.

• Running nose آبریزش بینی

..... I have a running nose because of the cold. |→

به خاطر سرما آبریزش بینی دارم.

• **Flu** آتفولانزا

..... She is sick with the flu. |→

او به آتفولانزا مبتلاست.

• **Stomachache** دل‌درد / درد معده

..... I have a stomachache after eating too much. |→

بعد از زیاد خوردن، دل‌درد دارم.

• **Earache** گوش‌درد

..... He has an earache and cannot sleep. |→

او گوش‌درد دارد و نمی‌تواند بخوابد.

• **Measles** سرخک

..... Measles is common among children. |→

سرخک در میان کودکان شایع است.

• **Mumps** آبله‌مرغان / اوریون

..... Mumps causes swelling in the face. |→

اوریون باعث ورم صورت می‌شود.

• **Have a temperature** تب داشتن

..... I have a temperature and feel weak. |→

تب دارم و احساس ضعف می‌کنم.

• **Fever** تب

..... She has a high fever. |→

او تب شدید دارد.

• **Sneeze** عطسه کردن

..... I sneeze when I have a cold. |→

وقتی سرما می‌خورم، عطسه می‌کنم.

• **Cough** سرفه کردن

..... He has a bad cough. |→

او سرفه شدیدی دارد.

• **Patient** بیمار

..... The patient is in the hospital. |→

بیمار در بیمارستان است.

• **Doctor** پزشک / دکتر

..... I visit the doctor when I'm sick. |→

وقتی مریض می‌شوم به دکتر مراجعه می‌کنم.

• **Nurse** پرستار

..... The nurse helps the doctor in the hospital. |→

پرستار به دکتر در بیمارستان کمک می‌کند.

• **Dentist** دندان‌پزشک

..... I go to the dentist for my teeth. |→

برای دندان‌هایم به دندان‌پزشک می‌روم.

• **Drugstore** داروخانه

..... I buy medicine at the drugstore. |→

در داروخانه دارو می‌خرم.

• **Hospital** بیمارستان

..... The hospital is near my house. |→

بیمارستان نزدیک خانه من است.

Teacher: Are you OK?

Student: No, I'm not. I have a headache.

Teacher: Oh, you have sore eyes, too.

You should go home and rest.

Student: Yes, but we have one more class.

Teacher: Don't worry. I'll talk to your teacher.

Student: Thanks for your help.

Teacher: Let's go to the office and call your parents first.

Class, be quiet! I'll be back in a minute.

معلم: حالت خوبه؟

دانش آموز: نه، خوب نیستم. سردرد دارم.

معلم: اوه، چشم‌هایت هم درد می‌کنند. باید به خانه بروی و استراحت کنی.

دانش آموز: بله، اما ما یک کلاس دیگر هم داریم.

معلم: نگران نباش. من با معلمت صحبت می‌کنم.

دانش آموز: ممنون از کمکتون.

معلم: اول بیایید به دفتر برویم و با والدینت تماس بگیریم.

کلاس، ساکت باشید! من یک دقیقه دیگر برمی‌گردم.

و اما میرسیم به ساختارهایی که برای صحبت کردن راجع به بیماری‌ها و مشکلات سلامتی‌مون، میتونیم ازشون استفاده کنیم.

Talking about your health problems



صحبت کردن درباره مشکلات سلامتی

Are you ok?..... حالت خوبه؟

No, I have a headache..... نه، من سردرد دارم.

Is she all right?..... او خوبه؟

No, she has a sore throat..... نه، او گلودرد دارد.

Is he OK?..... او (مذکر) خوبه؟

No, he has a backache..... نه، او کمردرد دارد.

چه مشکلی داری؟ / چه شده؟ What's wrong?

من دندان درد دارم. I have a toothache.

چه مشکلی هست؟ / چه شده؟ What's the matter?

او آبریزش بینی دارد. He has a running nose.

مشکل چیه؟ What's the problem?

من آنفلوآنزا دارم. I have the flu.

بچه ها این بخش درواقع روی چگونگی سوال و جواب درباره مشکلات و وضعیت سلامتی خود یا دیگران تمرکز دارد. درواقع اینجا یاد میگیری **چطوری علائم یا بیماری های رایج** را بیان کنی. اما حالا بریم باهم یاد بگیریم که برای توصیه دادن درباره سلامتی از چه ساختارهایی میشه استفاده کرد:

ساختارهای پرسش رایج

Are you OK?

Is she all right?

Is he OK?

جواب این دست سوال ها هم معمولاً کوتاه و شامل مشکل سلامتی + have است. مثال:

No, I have a headache.

خب توی این بخش قراره چی یاد بگیریم؟ اینکه وقتی کسی از مشکل سلامتی اش می گه، **چطور بهش توصیه کنیم که چه کاری انجام بده!**

Giving health advice

سر درد دارم. I have a headache.

چرا کمی استراحت نمی کنی؟ Why don't you get some rest?

گلودرد دارم. I have a sore throat.

باید پیش دکتر بروی. You should see a doctor.

سرما خورده ام. I have a cold.

باید استراحت کنی. You should rest.

دندان درد دارم. I have a toothache.

به دندان پزشک برو. Go to the dentist.

آبریزش بینی دارم. I have a running nose.....
چرا پیش دکتر نمی روی؟ Why don't you see a doctor?.....

گفتن مشکل سلامتی

I have + problem ➞ I have a headache. I have a toothache. ...

Advice ⚡ دادن توصیه

الگوی اول ➞ Why don't you + verb? برای پیشنهاد مودبانه

چرا پیش دکتر نمی روی؟ Why don't you see a doctor?.....

الگوی دوم ➞ You should + verb برای توصیه مستقیم

باید استراحت کنی. You should rest.....

بعد از should فعل ساده میاد.

الگوی سوم ➞ Go to + place/person دستور یا توصیه کوتاه

برو پیش دندان پزشک. Go to the dentist.....



تو جواب بده!

I have a sore throat

فرض کن من بهت میگم...

حالا تو از ساختارهای بالا استفاده کن و به من یه توصیه ای کن!

Spelling and pronunciation



هجی و تلفظ کلمات

این بخش تمرکزش روی **چگونگی تلفظ و هجی کردن** حروف و بخش‌های خاص کلمات انگلیسی هست، مخصوصاً وقتی تلفظ با نوشتار فرق می‌کنه یا ممکنه گیج‌کننده باشه.

مثلاً در این مکالمه:

دانش‌آموز حروف **A-C-H-E** را در بعضی کلمات می‌بیند و نمی‌دونه چطور خونده می‌شه. معلم توضیح می‌ده که این بخش معمولاً برای نشان دادن **“ache”** = درد استفاده می‌شه و تلفظش **/erk/** است.

بعد دانش‌آموز می‌پرسه درباره ترکیب حروف **E-A** در کلماتی مثل **health** و **headache**. و معلم هم تلفظ درست **/e/** در این کلمات را نشون می‌دهه و تمرین می‌کنه.

1- با کلمات پرسشی داده شده سوال بسازید.

- he is from Iran. (Where)
- Ali can play tennis well. (Who)

2- با کلمات پرسشی داده شده سوال بسازید.

- I go to school every day. (What)
- I play sports every weekday. (When)
- They are French. (Yes/No)

3- I'm originally ----- but I live in ----- .

1) France-Spain

2) Spanish-German

3) German-Spanish

4) Spanish-France

4- Read and find four mistakes. Then correct them.

در متن ۴ اشتباه وجود دارد، آن‌ها را پیدا کنید و سوس درست آن را بنویسید.

Shayan: Mr. Chaychi, this is my cousin, Sam. He speak French, English, and a little Persian.

Teacher: Oh, nice to meet you, Sam.

Sam: Nice to meet you, too.

Teacher: Is you from Iran?

Sam: Yes, I'm originally Iranian, but I live in France.

Teacher: Welcome in our class. How do you like it at Iran?

Sam: Iran is great! I love it. It's a beautiful country

5- با کلمات داده شده جمله بسازید.

first / Let's / parents / go / the / call / to / and / office / your / . /

can / your / You / book / bring / drawing / . /

6- Shiva is not good at ----- football.

1) plays

2) play

3) to play

4) playing

7-A) Is your uncle Ok?

B) -----

1)Yes, but we have one more class.

2)Yes, I'm OK.

3)No, he has a backache

4)She has a toothache.

8-A) Can she ----- a puzzle?

B) Yes, she -----

1)does – can

2)do – can

3)do – does

4)doing – can

9- با کلمات داده شده جمله بنویسید.

Doctor – see – don't – you – why – a – ?

1)Why don't you see a doctor?

2)Why you don't see a doctor?

3)Why you don't a doctor see?

4)Why see a doctor don't you?

10-Which sentence is not correct?

1)Ramin and Milad is good at English.

2)I am good at doing a puzzle.

3)He can ride a horse.

4)Who can take photos?

11-A) What does Reza do in his free time?

B) He ----- his horse.

1)drives

2)makes

3)plays

4)rides

12-I'm not good at -----, But I can ----- good photos.

1)draw – take

2)drawing – taking

3)drawing – take

4)draw – taking

13-I go to the gym ----- Mondays and Tuesday.

1)in

2)on

3)in the

4)at

14-A) How do you ----- chair ?

B) That's C – H – A – I – R.

1)call

2)pronounce

3)introduce

4)spell

15-A) -----?

B) No, he has a cold.

1)What's wrong?

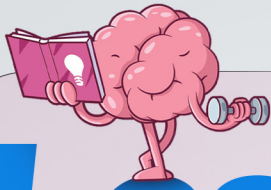
2)Are you ok?

3)What's the problem?

4)Is your brother all right?

8- جاهای خالی را با افعال مناسب پر کنید. (to be)

Hello! My name ---(1)--- Samira. I live in Tehran. I ---(2)--- good at speaking English. My favorite food ----(3)--- Pizza. I like to be a doctor. Today ---(4)--- Saturday and I have a headache and I stay home.



five 5 Lesson شهر من My city

سلام! توی درس ۵ قرار هست یاد بگیریم چطوری میتونیم درباره مکان های در یک شهر، سوال بپرسیم و چطور میتونیم به مکانی رو توصیف کنیم!

(فرض کن رفتی اصفهان، من میخوام انگلیسی ازت بپرسم، اصفهان چطور بود؟ و تو میخوای جواب بدی بلی عالی بود، زیبا بود، شهر تمیزی بود و... اینارو تو انگلیسی چطور باید بگی؟ بریم که به درس خفن جذاب داشته باشیم و کلی کلمات و ساختارهای مهم یاد بگیریم)

ترجمه

English

مثال • فارسی

• My city شهر من

..... My city is clean and beautiful. |→

شهر من تمیز و زیباست.

• Old city شهر قدیمی

..... The old city is very famous. |→

شهر قدیمی خیلی معروف است.

• Location موقعیت / محل

..... What is the location of your city? |→

موقعیت شهر شما کجاست؟

• Big بزرگ

..... Tehran is a big city. |→

تهران شهر بزرگی است.

• Clean تمیز

..... This street is clean. |→

این خیابان تمیز است.

• Center of مرکز

..... The park is in the center of the city. |→

پارک در مرکز شهر است.

• Famous معروف

..... Isfahan is famous for its bridges. |→

اصفهان به خاطر پل هایش معروف است.

• Special food غذای محلی / غذای خاص

..... This city has special food. |→

این شهر غذای محلی دارد.

• Downtown مرکز شهر

..... My father works downtown. |→

پدرم در مرکز شهر کار می کند.

• Where is ... ? ... کجاست؟

..... Where is the museum? |→

موزه کجاست؟

• North	شمال	 The north of Iran is green. →	شمال ایران سرسبز است.
• South	جنوب	 It is hot in the south. →	در جنوب هوا گرم است.
• West	غرب	 My city is in the west of Iran. →	شهر من در غرب ایران است.
• East	شرق	 The sun rises in the east. →	خورشید از شرق طلوع می کند.
• North east (NE)	شمال شرق	 Mumps causes swelling in the face. →	اوریون باعث ورم صورت می شود.
• North west (NW)	شمال غرب	 He lives in the north west of town. →	او در شمال غرب شهر زندگی می کند.
• South east (SE)	جنوب شرق	 The factory is in the south east. →	کارخانه در جنوب شرق است.
• South west (SW)	جنوب غرب	 The airport is in the south west of the city. →	فرودگاه در جنوب غرب شهر است.
• Capital	پایتخت	 We have a guest today. →	تهران پایتخت ایران است.
• Guest	مهمان	 It is a beautiful and historical city. →	امروز مهمان داریم.
• Tourist	گردشگر	 Many tourists visit Shiraz. →	گردشگران زیادی از شیراز دیدن می کنند.
• Another country	کشور دیگر	 She comes from another country. →	او از کشور دیگری می آید.
• Library	کتابخانه	 Students study in the library. →	دانش آموزان در کتابخانه درس می خوانند.
• Park	پارک	 Families go to the park in the evening. →	خانواده ها عصرها به پارک می روند.
• Metro system	سیستم مترو	 The metro system is very useful. →	سیستم مترو خیلی کاربردی است.

• Train station	ایستگاه قطار
..... We wait at the train station. →	
• Bus station	ترمینال / ایستگاه اتوبوس
..... The bus station is crowded. →	
• Restaurant	رستوران
..... We eat dinner at a restaurant. →	
• Museum	موزه
..... The museum is very interesting. →	
• Stadium	ورزشگاه
..... The match is in the stadium. →	
• Bridge	پل
..... This bridge is old and famous. →	
• Boulevard	بلوار
..... They walk along the boulevard. →	
• Cinema	سینما
..... We watch movies at the cinema. →	
• Zoo	باغ وحش
..... Children like the zoo. →	
• Store	فروشگاه
..... There is a store near our house. →	
• Building	ساختمان
..... That building is very tall. →	
• Mosque	مسجد
..... People pray in the mosque. →	
• Church	کلیسا
..... The church is very old. →	
• Minaret	مناره
..... The mosque has two minarets. →	
• Palace	کاخ
..... The king lived in the palace. →	

ما در ایستگاه قطار منتظر می مانیم.

ترمینال شلوغ است.

ما شام را در رستوران می خوریم.

موزه خیلی جالب است.

مسابقه در ورزشگاه است.

این پل قدیمی و معروف است.

آن ها در امتداد بلوار قدم می زنند.

ما در سینما فیلم می بینیم.

بچه ها باغ وحش را دوست دارند.

نزدیک خانه ما یک فروشگاه هست.

آن ساختمان خیلی بلند است.

مردم در مسجد نماز می خوانند.

کلیسا خیلی قدیمی است.

مسجد دو مناره دارد.

پادشاه در کاخ زندگی می کرد.

Shrine

حرم / زیارتگاه

..... Many people visit the shrine. | →

خیلی از مردم به زیارتگاه می روند

بریم سراغ مکالمه؟



قبل از هر چیز، فایل صوتی مکالمه رو از کتاب درسی گوش بده، بعدش با صدای بلند چندبار مکالمه رو بخون و در نهایت برای تثبیتش میتونی جمله های مهمش رو چندبار بنویسی و تکرار کنی!

Phanindra: Morteza, tell me about Isfahan. Where is it?

Morteza: Well, Isfahan's an old city in the center of Iran.

Phanindra: What's it like?

Morteza: It's a big and clean city.

Phanindra: Any famous buildings?

Morteza: Yes, many. Actually, Isfahan is very famous for its mosques and palaces.

Phanindra: Are there any museums?

Morteza: Yes, some great ones.

Phanindra: I should see the city soon.

Morteza: Sure, and we can have special food downtown.

Phanindra: مرتضی، درباره اصفهان به من بگو. کجاست؟

Morteza: خب، اصفهان یک شهر قدیمی در مرکز ایران است.

Phanindra: چه جور شهریه؟

Morteza: شهر بزرگی و تمیزیه.

Phanindra: ساختمان های معروفی هم داره؟

Morteza: بله، خیلی. در واقع، اصفهان به مسجدها و کاخ ها خیلی معروفه.

Phanindra: موزه ای هم داره؟

Morteza: بله، چندتای خیلی خوب.

Phanindra: باید به زودی شهر رو ببینم.

Morteza: حتماً، و می تونیم توی مرکز شهر غذای محلی بخوریم.

حالا، بریم باهم چند تا ساختار مرور کنیم که بهمون یاد میده چطور راجع به **موقعیت جغرافیایی شهرها** سوال پرسیم و جواب بدیم.

(قبلش خیلی مهمه که جهت های جغرافیایی، مثلاً شمال (north)، جنوب (south) و... رو بلد باشید، یکبار دیده بخش واکان رو مرور کن.)

Where is Isfahan?..... اصفهان کجاست؟

It's in the center of Iran..... آن در مرکز ایران است.

Where is Maku?..... ماکو کجاست؟

It's in the north-west..... آن در شمال غرب است.

Where is Karaj?..... کرج کجاست؟

It's near the capital..... آن نزدیک پایتخت است.

Where is it?..... آن کجاست؟

It's in the south..... آن در جنوب است.

پس برای پرسیدن مکان شهرها از این جمله استفاده می کنیم: **Where is + اسم شهر**

مثلاً: Where is Tehran?..... تهران کجاست؟

چطور جواب بدیم؟ جواب ها معمولاً با **It's** شروع می شن، مثلاً:

It's in the center of Iran..... توی مرکز ایران قرار داره.



تو جواب بده!

Where is your city?

حالا بریم سراغ ساختارها و جملاتی که میتونیم با اون ها، شهرها و ویژگی هایی که اون شهرها بخاطرشون معروف هستند رو **توصیف کنیم**:

What's Isfahan like?..... اصفهان چه جور شهری است؟

It's a big city..... شهر بزرگی است.

It's old..... قدیمی است.

It's very clean..... خیلی تمیز است.

به چه چیزی معروف است؟..... What is it famous for?

به خاطر مسجدهای قدیمیش خیلی معروف است..... It's very famous for its old mosques.



نوبت توعه!

What's your city like?

(شهری که توش زندگی میکنی رو برام توصیف کن)

و حالا ساختارهایی برای سوال و جواب درباره ی امکانات یک شهر:

کتابخانه‌ای هست؟..... Are there any libraries?

بله، هست. / نه، نیست. Yes, there are. / No, there aren't.

سیستم مترو هست؟..... Is there a metro system?

بله، هست. / نه، نیست. Yes, there is. / No, there isn't.

رستورانی هست؟..... Are there any restaurants?

بله، خیلی هست. Yes, many.

موزه‌ای هست؟..... Are there any museums?

بله، چندتای خیلی خوب هست. Yes, some great ones.

ورزشگاهی هست؟..... Is there a stadium?

بله، یک ورزشگاه جدید هست. Yes, a new one.

Spelling and pronunciation



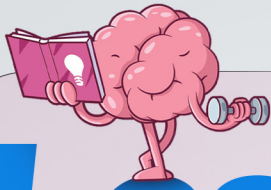
هجی و تلفظ کلمات

توی این قسمت، تاکید داره روی تلفظ صحیح **th** که مجدد توصیه میکنم، فایل صوتی کتاب رو گوش کنید و همچنین تلفظ کلمه **south / think / three** رو توی دیکشنری گوش کنید و دقت کنید به نحوه صحیح تلفظ **th**!

یه جمله ی مهم هم داره که خیلی براتون میتونه کاربردی باشه:

What's In English?

وقتی میخواهید سوال بپرسید که معنی یک کلمه ای به انگلیسی چی میشه، میتونید از این ساختار استفاده کنید.



SIX 6

Lesson روستای من My village

سلام به عشق ترین دانش آموزهای دنیا!

توی این درس قرار هست با هم یاد بگیریم چطوری میتونیم راجع به روستا و همچنین آب و هوا و فصل ها صحبت کنیم. پس، آماده ای؟

Let's get started!

ترجمه

English

مثال • فارسی

- **Village** روستا
..... My grandparents live in a small village. |→
- **Weather** آب و هوا
..... The weather is cold in the morning. |→
- **Cold** سرد
..... I feel cold in the evening. |→
- **Hot** گرم
..... It is hot in this room. |→
- **Warm** معتدل
..... The weather is warm in spring. |→
- **Wet** خیس / مرطوب
..... My shoes are wet after the rain. |→
- **Dry** خشک
..... This place is dry in summer. |→
- **Windy** بادی
..... It is windy near the sea. |→
- **Sunny** آفتابی
..... We have a sunny day today. |→
- **Rainy** بارانی
..... I don't like rainy days. |→

پدربزرگ و مادربزرگم در یک روستای کوچک زندگی می کنند.

هوا صبح ها سرد است.

من عصرها احساس سرما می کنم

این اتاق گرم است.

هوا در بهار معتدل است.

کفش هایم بعد از باران خیس هستند.

این مکان در تابستان خشک است.

نزدیک دریا هوا بادی است.

امروز روز آفتابی داریم.

من روزهای بارانی را دوست ندارم.

• Snowy	برفی
..... The road is snowy in winter. →	
• Icy	یخ‌زده
..... Be careful, the street is icy. →	
• Wind	باد
..... The wind is very cold today. →	
• Season	فصل
..... Each season has its beauty. →	
• Summer	تابستان
..... We travel in summer. →	
• Spring	بهار
..... Flowers grow in spring. →	
• Winter	زمستان
..... Children play in the snow in winter. →	
• Fall	پاییز
..... Fall is my favorite season. →	
• Mountain	کوه
..... There is a high mountain near the city. →	
• Mountain village	روستای کوهستانی
..... The air is clean in a mountain village. →	
• Hill	تپه
..... The children run up the hill. →	
• Tree	درخت
..... There are many trees in the park. →	
• Thermometer	دماسنج
..... The thermometer shows a high temperature. →	
• Flower	گل
..... She picked a flower from the garden. →	
• Dog	سگ
..... The dog follows its owner. →	

جاده در زمستان برفی است.

مواظب باش، خیابان یخ‌زده است.

باد امروز خیلی سرد است.

هر فصلی زیبایی خودش را دارد.

ما در تابستان سفر می‌کنیم.

گل‌ها در بهار رشد می‌کنند.

بچه‌ها در زمستان با برف بازی می‌کنند.

پاییز فصل مورد علاقه من است

نزدیک شهر یک کوه بلند وجود دارد.

هوا در روستای کوهستانی تمیز است.

بچه‌ها از تپه بالا می‌دوند.

در پارک درختان زیادی هستند.

دماسنج دمای بالایی را نشان می‌دهد.

او یک گل از باغ چید.

سگ صاحبش را دنبال می‌کند.

• Cow	گاو	 The cow gives us milk. →	گاو به ما شیر می‌دهد.
• Horse	اسب	 The farmer rides his horse. →	کشاورز سوار اسبش می‌شود.
• Hen	مرغ	 The hen lays eggs. →	مرغ تخم می‌گذارد.
• Chicken	مرغ	 My mother cooks chicken for lunch. →	مادر من برای ناهار مرغ می‌پزد.
• Plow	شخم زدن	 Farmers plow the fields in spring. →	کشاورزان در بهار زمین‌ها را شخم می‌زنند.
• Cattle	دام	 The cattle eat grass every day. →	دام‌ها هر روز علف می‌خورند.
• Tractor	تراکتور	 The tractor works on the farm. →	تراکتور در مزرعه کار می‌کند.
• Sunflower field	مزرعه آفتابگردان	 We saw a sunflower field on the way. →	ما در راه یک مزرعه آفتابگردان دیدیم.
• Farm	مزرعه	 The children help on the farm. →	بچه‌ها در مزرعه کمک می‌کنند.
• Work on the farm	کار کردن در مزرعه	 Many people work on the farm. →	خیلی از مردم در مزرعه کار می‌کنند.
• River	رودخانه	 The river passes near the village. →	رودخانه از کنار روستا می‌گذرد.
• Raise	پرورش دادن	 They raise animals for food. →	آنها حیوانات را برای غذا پرورش می‌دهند.
• Sound	صدا	 I hear the sound of the wind. →	صدای باد را می‌شنوم.
• Interesting	جالب	 This story is very interesting. →	این داستان خیلی جالب است.
• Near	نزدیک	 The school is near our house. →	مدرسه نزدیک خانه ماست.

• Madam

خانم

..... Madam, this is your bag. |→

خانم، این کیف شماست.

• Same

یکسان

..... We wear the same uniform. |→

ما لباس فرم یکسان می‌پوشیم.

بعد از تسلط روی بخش واژگان بریم سراغ بخش جذاب و کاربردی مکالمه:



Sam: Where are you from, Hamid?

Hamid: Ghez-ghal'eh.

Sam: Where is it?

Hamid: It's a village in West Azarbaijan, near the city of Khoy.

Sam: What's it like?

Hamid: It's a mountain village with many trees and flowers.

It's famous for its sunflower fields.

Sam: What's the people's job?

Hamid: They work on farms and raise animals.

Sam: What about the weather?

Hamid: There's a lot of wind in summer, fall and winter.

It's very cold from Aban to Farvardin.

Sam: It sounds to be a very interesting place.

Sam: از کجا هستی، حمید؟

Hamid: قزقلعه.

Sam: کجاست؟

Hamid: یک روستا در آذربایجان غربی، نزدیک شهر خوی است.

Sam: چه جور جاییه؟

Hamid: یک روستای کوهستانی با درخت‌ها و گل‌های زیاد است.

به خاطر مزرعه‌های آفتابگردانش معروف است.

Sam: شغل مردم چیه؟

Hamid: آن‌ها در مزرعه‌ها کار می‌کنند و حیوانات پرورش می‌دهند.

Sam: هوا چطوره؟

Hamid: در تابستان، پاییز و زمستان باد زیادی می‌وزد.

از آبان تا فروردین هوا خیلی سرد است.

Sam: به نظر می‌رسه جای خیلی جالبی باشه.

حالا بریم باهم ساختارهایی رو یاد بگیریم برای پرسش و پاسخ درباره ی یک مکان

What is Ghez-ghal'eh like?..... قزقلعه چه جور جاییه؟

It's a mountain village..... یک روستای کوهستانی است.

Is it near the city?..... آیا نزدیک شهر است؟

Yes, it is. / No, it isn't..... بله، هست. / نه، نیست.

What is it famous for?..... به چه چیزی معروف است؟

It's famous for its sunflower fields..... به خاطر مزرعه های آفتابگردانش معروف است.

What's the people's job?..... شغل مردم چیست؟

They work on farms and raise animals..... آن ها در مزرعه ها کار می کنند و حیوانات پرورش می دهند.

ساختارهای سوالی درمورد ویژگی های یک مکان:

Are there any fields?..... آیا مزارعی هست؟

Yes, there are..... بله، هست.

Is there a river?..... رودخانه ای هست؟

No, there isn't..... نه، نیست.

Is there a mountain?..... کوهی هست؟

Yes, there is..... بله، هست.

Are there many people in the village?..... آیا مردم زیادی در روستا هستند؟

No, there aren't..... نه، نیستند.

نکات کلیدی

1. استفاده از **Are there...? / Is there...?** برای پرسیدن درباره وجود چیزی در یک مکان.

• Are there any fields?

برای چندتایی

fields

• Is there a river?

برای یک چیز واحد

river

Yes, there are. / No, there isn't.

2. پاسخ ها معمولاً کوتاه و ساده هستند:

ساختارهای رایج برای سوال پرسیدن درباره آب و هوا هست!

هوا در قزقلعه چه جور است؟..... What's the weather like in Ghez-ghal'eh?

در تابستان هوا بادی / آفتابی / بارانی / برفی است. It's windy/sunny/rainy/snowy in summer.

هوا چه طور است؟..... What about the weather?

هوا گرم / سرد / معتدل / مرطوب / خشک است. It's hot/cold/warm/wet/dry.

آیا در زمستان هوا سرد است؟..... Is it cold in winter?

بله، هست. / نه، نیست. Yes, it is. / No, it isn't.

در بهار باران زیادی می بارد؟..... Is there much rain in spring?

بله، می بارد. / نه، نمی بارد. Yes, there is. / No, there isn't.

ورزشگاهی هست؟..... Is there a stadium?

بله، یک ورزشگاه جدید هست. Yes, a new one.



نوبت توعه!

What's the weather like in your city?

تو شهر شما آب و هوا چگونه؟

نکات کلیدی



1. سؤال درباره وضعیت هوا (Weather Questions):

• What's the weather like...?

برای توصیف کلی هوا

• Is it cold/hot in...?

برای سؤال درباره ویژگی خاص هوا

2. استفاده از صفات هوا (Weather Adjectives):

windy, sunny, rainy, snowy, hot, cold, warm, wet, dry

Spelling and pronunciation



هجی و تلفظ کلمات

کتاب روی تلفظ حروف TH در کلمات مختلف انگلیسی تمرکز داره، چون **TH** دو نوع تلفظ داره که میتونه برای زبان‌آموزان گیج‌کننده باشه:

1. صدای صدا دار /ð/

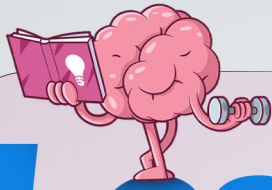
در کلماتی مثل: there, this, they

مثال: They are my friends

2. صدای بی‌صدا /θ/

در کلماتی مثل: north, south, thank, three

مثال: I live in the north



seven Lesson

سرگرمی های من My hobbies

عزیزانم، توی این درس قرار هست راجع به یک موضوع بسیار رایج و کاربردی صحبت کنیم بنام **hobby (سرگرمی / علاقمندی)**، میخواهیم با هم یاد بگیریم که چطور میتونیم راجع به سرگرمی ها و فعالیت های در وقت اضافه صحبت کنیم اون ها رو توصیف کنیم. بسیار موضوع مهم و کاربردی هست و علاوه بر امتحانتون، این موضوع در مصاحبه های زبان انگلیسی هم خیلی وقتا مورد سوال قرار میگیره.

So... Let's get started

ترجمه

English

مثال • فارسی

• Hobby

سرگرمی

..... My hobby is reading books. |→

سرگرمی من کتاب خواندن است.

• As a hobby

به عنوان سرگرمی

..... She learns English as a hobby. |→

او به عنوان سرگرمی انگلیسی یاد می گیرد.

• Interesting

جالب

..... This hobby sounds interesting. |→

این سرگرمی جالب به نظر می رسد.

• Sort of

یک جورهایی / تا حدی

..... I am sort of tired today. |→

امروز یک جورهایی خسته ام.

• Reading

مطالعه / کتاب خواندن

..... I like reading in my free time. |→

من در وقت آزاد کتاب می خوانم.

• Watching movies

فیلم دیدن

..... Watching movies is fun for me. |→

فیلم دیدن برای من سرگرم کننده است.

• Going to the movies

رفتن به سینما

..... We go to the movies on weekends. |→

ما آخر هفته ها به سینما می رویم.

• Listening to the radio

گوش دادن به رادیو

..... He listens to the radio in the morning. |→

او صبح ها به رادیو گوش می دهد.

• Playing tennis

تنیس بازی کردن

..... My brother likes playing tennis. |→

برادر من تنیس بازی کردن را دوست دارد.

• Fishing

ماهیگیری

..... Fishing is relaxing for him. |→

ماهیگیری برای او آرامش بخش است.

- **Skiing** اسکی کردن
..... They go skiing in winter. |→
- **Working in the garden** کارکردن در باغ
..... She enjoys working in the garden. |→
- **Searching the web** جست و جو در وب
..... I am searching the web for information. |→
- **Browsing the Internet** گشتن در اینترنت
..... He spends time browsing the Internet. |→
- **Go horse riding** اسب سواری کردن
..... They go horse riding on holidays. |→
- **Go shopping** خرید رفتن
..... I go shopping with my mother. |→
- **Walking in the park** قدم زدن در پارک
..... Walking in the park is nice in the evening. |→
- **Playing computer games** بازی های کامپیوتری انجام دادن
..... He likes playing computer games after school. |→
- **Book** کتاب
..... This book is very interesting. |→
- **Magazine** مجله
..... She reads a magazine every week. |→
- **Sport News** اخبار ورزشی
..... My father watches sport news on TV. |→
- **Poem** شعر
..... The student reads a short poem. |→
- **Gym** باشگاه
..... I go to the gym three days a week. |→
- **Free time** وقت آزاد
..... I listen to music in my free time. |→
- **Very much** خیلی زیاد
..... I like this hobby very much. |→

آن ها در زمستان اسکی می کنند.

او از کار کردن در باغ لذت می برد.

من در وب دنبال اطلاعات می گردم.

او وقتش را به گشتن در اینترنت می گذراند.

آن ها در تعطیلات اسب سواری می کنند.

من با مادرم خرید می روم.

قدم زدن در پارک عصرها خوب است.

او بعد از مدرسه بازی کامپیوتری می کند.

این کتاب خیلی جالب است.

او هر هفته یک مجله می خواند.

پدرم اخبار ورزشی را از تلویزیون می بیند.

دانش آموز یک شعر کوتاه می خواند.

من هفته ای سه روز به باشگاه می روم.

من در وقت آزاد موسیقی گوش می دهم.

من این سرگرمی را خیلی دوست دارم.

Teacher: Do you have any hobbies, Zahra?

Zahra: Yes, I do. I watch movies as a hobby.

Teacher: Interesting! How about you, Samira?

Samira: Well, I love reading.

Zahra: Really? What sort of things do you read?

Samira: Books, magazines, sports news on the Net, and sometimes poems.

Zahra: And how about you, Mrs. Emami?

Teacher: Actually, I don't have any hobbies. But I usually go to the gym in my free time.

Teacher: زهرا، سرگرمی خاصی داری؟

Zahra: بله، دارم. من فیلم دیدن را به عنوان سرگرمی انجام می‌دهم.

Teacher: جالب است! تو چطور، سمیرا؟

Samira: خب، من عاشق مطالعه هستم.

Zahra: واقعاً؟ چه نوع چیزهایی می‌خوانی؟

Samira: کتاب، مجله، اخبار ورزشی در اینترنت و گاهی اوقات شعر.

Zahra: و شما خانم امامی چطور؟

Teacher: در واقع، من سرگرمی خاصی ندارم. ولی معمولاً در وقت آزادم به باشگاه می‌روم.

و اما ساختارها!

توی این بخش یاد می‌گیریم چطور در مورد **hobby (سرگرمی)** پرسش و پاسخ داشته باشیم:

آیا سرگرمی خاصی داری؟..... Do you have any hobbies?

بله، گوش دادن به داستان‌ها در رادیو..... Yes, listening to stories on the radio.

به عنوان سرگرمی چه کاری انجام می‌دهی؟..... What do you do as a hobby?

من فیلم دیدن را به عنوان سرگرمی انجام می‌دهم..... I watch movies as a hobby.

آیا کتاب خواندن را دوست داری؟..... Do you like reading?

بله، خیلی زیاد..... Yes, very much.

سرگرمی تو چیست؟..... What's your hobby?

من از جست‌وجو در وب لذت می‌برم..... I enjoy searching the Web.

نکات کلیدی

1. سؤال درباره سرگرمی‌ها:

• Do you have any hobbies?

• What do you do as a hobby?

• What's your hobby?

2. جواب دادن درباره سرگرمی‌ها: استفاده از افعال مختلف برای توضیح فعالیت‌ها

listen, watch, read, search

3. عبارات تأکیدی و علاقه‌مندی:

• Yes, very much.

برای نشان دادن علاقه زیاد

• I enjoy...

برای بیان لذت بردن از فعالیت

تو جواب بده!

What are your hobbies?

سرگرمی‌های تو چی هستند؟

Talking About Your Free Time Activities

⚡
صحبت کردن درباره فعالیت‌های اوقات فراغت

What do you do in your free time?..... در اوقات فراغت چه کار می‌کنی؟

What do you like to do in your free time?..... در اوقات فراغت چه کاری را دوست داری انجام بدهی؟

I go horse riding..... من اسب‌سواری می‌کنم.

I play tennis..... من تنیس بازی می‌کنم.

I usually go shopping..... من معمولاً خرید می‌روم.

I walk in the park..... من در پارک قدم می‌زنم.

I like playing computer games..... من بازی‌های کامپیوتری انجام دادن را دوست دارم.



نوبت توعه!

What do you do in your free time?

Spelling and pronunciation



هجی و تلفظ کلمات

و بخش spelling and pronunciation تمرکز داره روی تلفظ و هجی کردن پسوند -ING و کلمات مشابه در انگلیسی:

پسوند **ING** در انتهای فعل‌ها:

• حرف g تلفظ نمی‌شود، مثال: **Reading**

تلفظ صحیحش به این شکل هست: /'ri:diŋ/

1-In which word "th" is different?

- 1)thank
- 3)three

- 2)there
- 4)south

2-A) ----- any museums?

B) Yes, some great ones.

- 1)Is there
- 3)There aren't

- 2)Are there
- 4)There isn't

3-Mohammad: -----

Ahmad: No, there aren't any animals in the village.

- 1)Where are the animals?
- 3)Is there any horses in the farm?

- 2)Are there any animals in the village?
- 4)Are they in the farm?

4-Which sentence is correct?

- 1)But usually I go to the gym in my free time.
- 2)But I usually go to the gym in my free time.
- 3)But I go to gym in my free time usually.
- 4)But I go usually to the gym in my free time.

5-A) -----?

B) They work on farms and raise animals.

- 1)What are they?
- 3)Are they workers?

- 2)What's their job?
- 4)Do you raise animals?

6-Isfahan is ----- for its mosques.

- 1)correct
- 3)famous

- 2)big city
- 4)old

7-Tehran is the ----- of Iran.

- 1)north
- 3)capital

- 2)stadium
- 4)church

8-A) ----- any people in the classroom?

B) Yes, many.

- 1)Is there
- 3)Are there

- 2)There aren't
- 4)There isn't

9-There are ----- tables in the classroom but there ----- any chairs to sit.

1)any – is

2)not – are

3)some – are

4)ten – aren't

10-A) -----?

B) It is in the center of Iran.

1)What is Tehran like?

2)Where is Tehran?

3)Is there a stadium?

4)What is Tehran famous for?

11-Tehran is famous for ----- Milad Tower.

1)his

2)it's

3)its

4)it is

12- در مکالمه زیر ۴ اشتباه وجود دارد، آن‌ها را پیدا کنید و سپس درست آن‌ها را بنویسید

Sam: Where are you from, Hamid?

Hamid: Ghez-ghal eh.

Sam: Where is it?

Hamid: It s a village on West Azarbaijan, near the city of Khoy.

Sam: What s like?

Hamid: It s a mountain village with many trees and fl owers. It s famous for its sunfl owerfi elds.

Teacher: Do you has any hobbies, Zahra?

Zahra: Yes, I do. I watch movies as a hobby.

Zahra: And how about you, Mrs. Emami?

Teacher: Actually, I doesn t have any hobbies. But I usually go to the gym in my free time.

13- با کلمات داده شده جمله بسازید

place / it / interesting / sounds / very / to / a / be

time / computer / she / free / likes / her / playing / games / in

14-Passage

Directions: Read the following passage and answer the questions.

My name is Bayram. I'm from Lighvan. Lighvan is a mountain village near Tabriz. Lighvan is very famous for its cheese. There are a lot of people there. They work on farms. It's cool in summer and very cold in winter. People's hobby is horse riding.

- Lighvan is near Tehran. True ☐ False ☐
- What do people do as a hobby in Lighvan?
- What is Lighvan famous for?
- What's the weather like in Lighvan?

15-Passage

Directions: Read the following passage and answer the questions by choosing the best choice (1), (2), (3), or (4).

My name is Nima. I'm from Masouleh. Masouleh is a mountain village in north of Iran. It's famous for its buildings and its weather. It's rainy and cloudy in spring and fall. It's snowy and cold in winter. People in Masouleh raise animals.

- Masouleh is in the east of Iran. True ☐ False ☐
- People in Masouleh work on farm. True ☐ False ☐
- What's the weather like in Masouleh in Winter?

Cloze

Directions: Read the following passage and decide which choice (1), (2), (3), or (4) best fits each space.

Paul Christine is a tourist. He's from (16) ----- but he isn't French originally. He's Argentinian. He lives in Le Viala. It's a (17) ----- near the city of Paris. He works as a (18) ----- and he helps people when they are ill. There is a small (19) ----- in Le Viala. In his free time, Paul likes (20) ----- the puzzles. Sometimes he goes to Paris and visits the (21) -----.

16-

1)Italian

2)France

3)Chinese

4)Indian

17-

1)village

2)river

3)mountain

4)airport

18-

1)mechanic

2)post man

3)pilot

4)doctor

19-

1)mosque

2)church

3)hospital

4)zoo

20-

1)making

2)doing

3)drawing

4)going

21-

1)parks

2)museums

3)palaces

4)metros

22- کلمه های هر ردیف را مرتب کنید و جمله درست را بنویسید.

some – give – examples – you – can – me?

famous – palaces – its – very – is – Isfahan – mosques – for – and

23- برای هر پاسخ سوال مناسب بنویسید.

• -----?

It's famous for its rivers.

• -----?

People work on farms.

• -----?

Tehran is a big city.

Interesting – hobbies – magazines – sort – reading – watch

A: Do you have any (1) ----- ?

B: Yes, I do. I (2) ----- movies as a hobby.

A. (3) ----- ! How about you Samira?

B. Well, I love (4) ----- .

A. Really? What (5) ----- of things do you read?

B. Books, (6) ----- , sports news on net.

25-A: Are there any ----- in Karaj?

B: No, there aren't.

1)library

2)restaurant

3)museums

4)stadium

26-What is Ghez ghaleh ----- ?

Its sunflower fields.

1)like

2)good at

3)weather

4)famous for